

## فکر کردن به کلماتمان

### کاترین سینکلر

آیا تا به حال در موقعیتی بودید که سعی کنید ایمان خود را با شخص دیگری در میان بگذارید و آیا مدام مخالف زبانی که می‌خواهید استفاده کنید هستید؟ احساس می‌کنید دما شروع به بالا رفتن می‌کند گونه‌های شما و مغز شما در حال کار بیش از حد است تا مسیرش را با بهترین راه برای توصیف باورهای خود بیچد. کلماتی که به ذهنتان می‌رسد را با عینیت تازه تحلیل می‌کنید و ناهماهنگی شناختی بین ایمانی که می‌خواهید به اشتراک بگذارید و کلماتی که در جعبه ابزار شما وجود دارد را احساس کنید.

عیسی به شاگردانش گفت: *به تمام جهان بروید و انجیل را به همه مخلوقات موعظه کنید (مرقس 16: 15)*. اما آموزش و موعظه این پیام، فیض، عشق، خدمت و نجات سخت است اگر احساس می‌کنید که زبان راکد در فرهنگ دینی‌تان مانع شده است. پولس نوشت، *اما در مسیر هیچ کس مانعی قرار نده تا خدمت ما بی اعتبار نشود (دوم قرنتیان 6: 3)*.

آیا ممکن است گاهی اوقات از زبانی که استفاده، الگوبرداری می‌کنیم و آموزش می‌دهیم باعث ایجاد لغزش برای خود و عضویت ما شود؟

همه ما رابطه خود را با زبان و جوامع معنوی خود داریم. برای من، واژگان، کلمات مرتبط با سفر ایمانی ام از بزرگ شدن در زبان انگلیسی و محافل مسیحی انجیلی، و ارتباطم با کریستادلفیان در جوانی هستند. آنجا لحظات قابل توجهی در هر محیطی است که در آن احساس کردم زبان دینی واقعاً برخلاف پیام مسیح جاری شده است.

گروه جوانان من یک بار در سخنرانی یک مهمان واعظ انجیلی شرکت کردند. به زبان آرام‌تر از کلیسای انگلیکن عادت داشتند، من از پیام‌های آتشین و گوگردی او شوکه شدم. حتی در دوران نوجوانی برایم واضح بود که او با تاکید بر مفاهیم لعنت و جهنم، از ترس به عنوان انگیزه‌ای برای پیروی از مسیح استفاده می‌کرد. این به خوبی با درک من از عشق خدا جور در نمی‌آمد. زمانی که برای اولین بار این صدا را شنیدم، یک احساس دلخراش مشابه اصطلاح کریستادلفین "حقیقت" در من ایجاد شد. اگر کریستادلفینی که با او صحبت می‌کردم آن را داشت، پس آیا این باعث می‌شد که رابطه من با خدا و درک نجاتم به "کاذب" تبدیل شود؟

فرهنگ کریستادلفیانیان اکنون خانواده معنوی من است و مطالعه کتاب مقدس، مشارکت، مراقبت و عشقی که تجربه کرده ام به من کمک کرده تا در مسیرم با خداوند رشد کنم. من به موضوع جامعه اهمیت می دهم و دردناک است که می بینیم ما مواعی را در مسیر خود به سوی خداوند تداوم می دهیم. پس بیایید به چند گرایش که می توان در بافت فرهنگی کریستادلفین ما بازنگری کرد نگاه کنید. اینها شامل برخی از گرایش های زبانی، از جمله کلمات، عبارات و انتخاب های ترجمه است، که اگر اجتناب شود، می تواند به ایجاد یک محیط فراگیرتر و دلپذیرتر کمک کند تا بتوانیم به خود دررستگاری ما و شریک شدن برکات آن چه در جامعه ما و چه فراتر از آن ببالیم.

## ارتباط با دیگران

در فرهنگ ما، اغلب ذهنیت تفرقه‌انگیز «ما» در مقابل «آنها» وجود دارد. کسانی که «درون» و «خارج» ایمان ما هستند. می خواهم دو روشی را که این را تشویق می کنیم برجسته کنم، و درمورد چند اشکال بحث کنم. اول، بسیاری از کریستادلفین ها در یک روش رزمی به اشتراک گذاشتن ایمان خود آموزش دیده اند، تشویق می شوند تا بیشتر بر آنچه باور ندارند تمرکز کنند تا کاری که آنها انجام می دهند. ثانیاً، این اغلب شامل استفاده رایج از کلمه "حقیقت" می شود.

اصطلاح "حقیقت" در فرهنگ ما آنقدر عادی شده است که در واقع خنثی به نظر می رسد. در واقع می تواند برای کسانی که در خارج هستند کاملاً بیگانه باشد. اگر چه همه جا برای اشاره پیام کتاب مقدس مبنی بر امید ما به مسیح استفاده می شود، هنگامی که در گفتگو با سایر ایمانداران به کار می رود، فوراً می تواند "شما چیزی برای ارائه به من ندارید" ایجاد کند. با اشاره به اینکه حقیقت یکی امر قطعی است، با نفی استنباط می کند که طرف مقابل آن را درک نکرده است. این اصطلاح بنابراین مغرور و طردکننده است و برخلاف حکمت امثال 3: 34 است، همچنین در یعقوب نقل شده است که *خدا با متکبران مخالفت می کند، اما به فروتنان لطف می کند (یعقوب 4: 6)*. ما می توانیم به امید و درک کتاب مقدس خود مطمئن باشیم، اما استفاده از زبانی که فضایی برای عقاید و گفتگوی دیگران باقی می گذارد مهم است. عبارت "پیام تا جایی که من آن را درک می کنم" جایگزین برای "حقیقت" به سادگی می تواند باشد.

"حقیقت" اغلب بخشی از یک گفتگوی گسترده تر به سبک مناظره است که ما آن را در اعضا خود، از جمله جوانانی که آموزش می دهیم و اعضای جدید تشویق می کنیم. نقطه ضعف استفاده روش های مبارزه با دیگر مسیحیان این است که ما را از ارتباط پتانسیل جدا می کند. از آنجایی که تعداد پیروان مسیح در فرقه‌ها به سرعت کاهش می‌یابد مؤمنان دیگر واقعاً نادر هستند و می توان چیزهای زیادی را به اشتراک گذاشت.

لحن جنگی همه را درگیر دفاع می کند، یک موقعیت اخلاقی در سطح بالا را تشویق می کند، و بنابراین، پتانسیل مقدمات روابط شگفت انگیز و مبتنی بر خدا برای افراد با همسران و دوستان آینده را ربوده است. در دنیایی که در آن اعتقاد به خدا نادر است، آیا تشویق یکدیگر به کشف و لذت بردن از مشترکات ما با مسیحیان دیگر کارسازتر نیست؟ به جای تشویق ترس از ناشناخته ها، اگر به خدا توکل کنیم، می توانیم در ایمان خود محفوظ بمانیم و جشن بگیریم عشق متقابل به خدا 1 یوحنا 4: 18 می گوید، کسی که می ترسد در عشق کامل نمی شود. نه همه جزئیات کتاب مقدس درک هر پیرو از ایمان خود به مسیح و خدا دقیقاً یکسان خواهد بود. پس با تاکید و دیدن اشتراکات با دیگر مسیحیان می توانیم و درک کنیم که همه ما در سفری به سوی رستگاری هستیم و در چارچوبی که می دانیم کار می کنیم.

### پذیرایی از مهمانان

وقتی برای اولین بار شروع به شرکت در یک جلسه کریستادلفین کردم، هر هفته فردمسئول به طور علنی از من استقبال می کرد و بیان می کرد که من "اینجا بودم تا شاهد کارهایی باشم که انجام می دهیم." خوش آمدید، وضعیت غیرعضویت من به طور عمومی به صورت هفتگی اعلام شد. عبارت «شاهد» به این معناست که شخص بخشی از آنچه اتفاق می افتد نیست، بلکه صرفاً درحال تماشا است. درحالی که این ممکن است درست باشد، چه چیزی با فراخوانی آشکار این دوگانگی درمورد اینکه چه کسی «درون» و چه کسی «خارج» است؟ عیسی همه را به سفره خود پذیرفت، همانطور که در متی 9: 9-13 توضیح داده شده است، زمانی که او با متی، باجگیر و انبوهی از «گناهکاران»، صرف نظر از وضعیتشان شام خورد. هر جلسه از نظر استقبال از مهمانان منحصر به فرد است، اما من پیشنهاد می کنم به جای این که به عنوان تعاملات خصوصی، معنی مقدمات خوش آمد را کنار بگذاریم یا به استقبال عمومی گروهی پایبند باشیم به جای اعلامیه های عمومی که به افراد به ویژه اگر به غیرعضو اشاره می کند، که تازگی به طور منظم شرکت می کنند.

### فراگیری غیرصادقانه

استفاده از اصطلاح "همه" یا "هر کسی" زمانی که دقیق نیست قابل توجه است. مثلاً، یک رئیس ممکن است از حضار بپرسد "آیا کسی دوست دارد امروز صبح برای شراب دعا کند؟" وقتی آنها واقعاً به دنبال یک برادر تعمید یافته هستند. در یک لحظه، شخصیت هر زن یا شخص غسل تعمید نشده حاضر، نفی می شود. هنجار برای اکثر کریستادلفین ها این جلسات با نقش های تفکیک جنسیتی انجام می شود. یعنی مناطق مشارکتی وجود دارد که به ویژه زنان از آن مستثنی هستند. بنابراین، این امر به ویژه آشکار برای زنان در گروه زمانی که اصطلاح عمومی "هر کسی" در اشاره به درخواست استفاده می شود مشارکت در یک کار

خاص که ممکن است در واقع در آن شرکت نکنند. تشویق ویژه در این نیزیک تست است. به عنوان مثال، اگر ایده به جای گفتن با صدای بلند "آیا هر برادر تعمیم یافته ای دوست دارد امروز صبح برای شراب دعا کند؟" احساس ناخوشایندی می کند، پس شاید این نشانه ای است که باید با دعا و کتاب مقدس در درون یک زمینه معاصر بازاندیشی و بررسی شود. علاوه بر این، کلمه "همه" اغلب در جمله استفاده می شود "هر کس نقش خود را دارد" که همچنین می تواند برای کسانی که احساس می کنند نمی توانند به دلیل محدودیت های جنسیتی استعدادشان را انجام دهند تحقیرکننده باشد.

## سخنان مردسالارانه

مردم به طور فزاینده ای نسبت به اصطلاحات زبانی مردسالارانه حساس هستند. در گذشته نه چندان دور در راهبردهای زبانی انگلیسی و مردسالارانه بیشتر معمول بود، مانند درج نام زنان زیر دست شوهرانشان همانطور که آقا و خانم جان اسمیت، یا استفاده از اصطلاحات مذکر به عنوان جهانی مانند «بشر» است. این به سرعت در حال تغییر است، زیرا کلماتی مانند "مرد پلیس" جایگزین «افسر پلیس» و مانند آن می شوند. بنابراین، در محافل مذهبی، اصطلاحی مانند «برادرانه»، یک کلمه انگلیسی قدیمی که ریشه در مفهوم مردانه «برادران» دارد اما به معنای تمام بدن مؤمنان، دیگر نماینده اعضای همه جنسیتها نیستند. به همین ترتیب «برادری»، کلمه دیگری که ریشه در اصطلاح مردانه «برادر» دارد، دیگر واژه مناسبی برای اشاره به مشارکت بین مؤمنان نیست. به جای استفاده از چنین زبان مردسالارانه ای که بسیار قدیمی و غیر قابل لمس است، ما به سادگی می توانیم آنها را جایگزین اصطلاحات خنثی تر مانند "اعضا"، "باوران" یا "پیروان مسیح" کنیم - که همه اصطلاحات برگرفته از کتاب مقدس و در حال حاضر در میان بسیاری از کلیساها به طور مکرر استفاده می شود.

## زبان باینری

زبان باینری یکی دیگر از عناصر زبانی انگلیسی است که در حال از بین رفتن است. اگرچه این دسته بندی زبانی انسان ها به "مذکر" یا "مونث" ریشه در بسیاری از زبان ها، از جمله انگلیسی دارد، به طور فزاینده ای به ویژه در موقعیت ها جایی که هیچ دلیل اساسی واقعی برای شناسایی آن وجود ندارد رد می شوند. با حذف این اجازه را برای فردیت و فضا به کسانی می دهد که ممکن است جنسیت را به دلایل مختلف از جمله فیزیکی، روانی یا فلسفی بی ربط احساس کنند. در حالی که مطرح کردن این موضوع بزرگتر شایسته مقاله خود است، برای اهداف ما در اینجا، اجازه دهید به استفاده از کلمات "خواهر" و "برادر" برای رجوع به هم ایمانان تعمیم یافته استفاده شود. از این کلمات نه تنها افراد تعمیم یافته را تقسیم می کند، اما همچنان اعضای

غیر غسل تعمید را حذف می کند و آنها را به عنوان بخشی از "کانون" نمی دانند. مانند بازنگری در واژه های «برادران» و «برادری»، ممکن است بخواهیم به سمت آن اصطلاحات غیرجنسیتی مانند «مردم»، «جامعه»، «اعضا»، «دوستان» و همه موارد دیگر گزینه های خنثی تر در این زمینه حرکت کنیم. در هر مورد، ما باید تاثیر را بسنجیم. آیا واقعا چیزی برای حذف جنسیتی رابطه ما با یکدیگر از بین می برد؟ آیا راه دیگری برای گفتن فراگیرتر باشد وجود دارد؟ اگر ما به انحصار بودن چسبیده ایم یا کلمات دیگر چندان خوشایند به نظر نمی رسند، باید از خود بپرسیم: چرا بودن برای من مهم است؟ انحصاری و آیا انحصار چیزی است که مسیح آن را مهم می داند؟

## انتخاب هدفمند و کلمات محرک

کتاب مقدس کلام الهام شده خداست، اما فقط به این دلیل که یک کلمه به زبان انگلیسی ترجمه شده کتاب مقدس خاص است، به این معنی نیست که برای استفاده در یک محیط معاصر مناسب است. یک صبح یکشنبه، من شاهد انتخاب تاسف بار کسی بودم که لاویان 15 را در تمامیت خواند. نه تنها موضوع اصلی آن به سخنرانی ارائه شده مربوط نبود، بلکه جنسیت مردانه و پاکیزگی بدن باعث شد که هر نوجوان در اتاق بیشتر در صندلی های خود مخفی شود هر بار که کلمات "دانه" و "مسأله" بارها و بارها به زبان آمد. به این بیگانگی تاسف بار تمام جوانان اتاق و حتی بزرگسالان پوزخند زدند. ناگفته نماند که هیچکس توجهی به تشریفات پند و اندرز نان و شراب بعد از آن نداشت.

در حالی که این یک مثال طنز است، می تواند اثرات جدی تری از انتخاب نامناسب آیات کتاب مقدس داشته باشد. رویه اجتماعی کنونی حکم می کند که ما باید با "کلمات محرک" آگاه باشیم کلماتی که ممکن است باعث آسیب شود در حالی که این می تواند مد روز یا دنیوی به نظر برسد، در کتاب مقدس است. خداوند ما را به مراقبت از یکدیگر دعوت می کند و ما را به عنوان یک بدن در کنار هم قرار می دهد تا اجزای آن در نگرانی برای یکدیگر برابر باشند اگر قسمتی رنج می برد، هر قسمتی با آن رنج می برد (اول قرنیتیان 12: 24-26). کلمات در کتاب مقدسی که به ظلم استعماری، برده داری، تجاوز جنسی و خشونت اشاره دارد، هرگز نباید برای خواندن عمومی بدون احتیاط شدید در مورد هدف آن انتخاب شوند. چنین موضوعات حساسی در صفحات کتاب مقدس وجود دارند، اما سخنرانان و رؤسای باید واقعاً با دقت در مورد شایستگی قضاوت کنند آنها را در یک محیط عمومی برای نشان دادن یک نکته جلو می برند و از خود می پرسند که آیا این کار را می کنند آیا این روش بهتر است به عنوان یک مطالعه آرام و عمیق در زمینه دیگری برای خدمت به یک هدف بزرگتر ارائه شود؟ قاعده کلیدی در حین انجام احتیاط کلمات ماشه ای این است که به اثر فکر کنید و تصور کنید به طور فعالانه به احتمال زیاد افرادی در بین مخاطبان، چه اعضا و چه غیر عضو، وجود دارند

که تحت تأثیر چنین اقداماتی قرار گرفته اند. حتی اگر مفاهیم در کتاب مقدس وجود دارد، ما هنوز باید به آن ذره ای نگاه کنیم که ما با بیشترین حساسیت نسبت به کاربرد آنها در متن نوشته معاصر می کشیم.

## ترجمه های کتاب مقدس

کلمات "ترا"، "استادی" و "مال تو" دیگر در معاصر به طور منظم استفاده نمی شوند. زبان انگلیسی خارج از زمینه تاریخ و شعر است. به این ترتیب، استفاده از کتاب مقدس نسخه پادشاه جیمز، یا حتی نسخه جدید، که به طور مرتب در جلسات کریستادلفین استفاده می شود، چیزی که باید در آن تجدید نظر شود. بسیاری از طرفداران ترجمه 1611 از این نسخه شعر- و به درستی استقبال می کنند. برای خواننده شدن با صدای بلند، بازتاب ساختار و آیه آن دوران ادبی شکسپیر توسط جیمز اول انگلستان و ششم از اسکاتلند توسط کمیته ای متشکل از 54 مترجم مجاز و ایجاد شد، آنها به سادگی پیام و والایی الهام بخش را هدف گرفتند.

از زبان انگلیسی در حالی که زمانی به عنوان بهترین ترجمه انگلیسی مورد احترام قرار می گرفت، اکنون برای دو دلیل کلیدی زبانی مشکل ساز است. اولاً، سوگیری هنجارهای فرهنگی عصر الیزابت را به همراه دارد زمانی که - از کم اهمیت جلوه دادن کلمات توصیف کننده نقش زنان اولیه کلیسا تا تداوم استفاده از کلمات پدرسالارانه مانند «برادران» ترجمه شد. ثانیاً شاعرانه اما باستانی آن زبان حتی برای بسیاری از انگلیسی زبانان بومی غیرقابل دسترس است و قطعاً برای همه دانشجویان زبان انگلیسی استثناء است، بنابراین از تنوع زمینه های فرهنگی جلوگیری می کند.

با افزایش جمعیت کریستادلفین ها که از خاورمیانه و کشورهای آفریقایی - که بسیاری از آنها در حال یادگیری اصول اولیه زبان انگلیسی هستند - ما باید بیشتر از ترجمه های واضح و قابل فهم انگلیسی کتاب مقدس موجود استفاده کنیم. ما باید زیبایی های آن را کشف کنیم ترجمه کتاب مقدس به زبان های دیگر نیز بسته به خواننده، با استفاده از مهارت های مترجمان و عدم امتیاز به نسخه انگلیسی دارد. هنگام خواندن به زبان انگلیسی، مطمئناً لحظاتی برای بیان کلمات زیبای نسخه پادشاه جیمز است، اما در استفاده منظم از آن پافشاری می کند در وهله اول نابینایی نسبت به هدف جمعی و فراگیر خواندن کتاب مقدس در یک محیط گروهی را آشکار می کند.

## اصول کتاب مقدس

بر کسی پوشیده نیست که کاهشی در عضویت کلی بدن کریستادلفیان وجود دارد. حضور منظم و مشارکت جوانان، به ویژه در آمریکای شمالی و بریتانیا مشترک المنافع است. این منحصر به کریستادلفیان ها نیست، زیرا نسل های بعدی جمعیت عمومی این کشورها به طور تصاعدی نسبت به مذهب سازمان یافته عمومی بی علاقه می شوند. بعضی ها سرشان را می خارند و فکر می کنند چه خبر است؟ برای دیگران، واضح تر است: ما در خطر دور از دسترس بودن هستیم.

زبان خارج از تماس به کار گرفته شده در یک محیط مذهبی قابل توجه است. به ویژه جوانان ما معمولاً در استفاده رایج از اصطلاحات نسبت به بزرگان خود هماهنگ تر هستند و همینطور متوجه شدن و گوش دادن گاهی اوقات استفاده از اصطلاحات قدیمی عمداً برای دلیلی انتخاب می شود. در موارد دیگر، اصطلاحات قدیمی به طور بی رویه و بدون توجه به تأثیر آن در یک زمینه معاصر استفاده می شود این زمانی است که این انتخاب کلمات شروع به نشان دادن سطحی از جهل - مهم نیست چقدر حسن نیت - که در نهایت به انحلال اعتماد بین بدن و اعضا کمک می کند. با وجود این برخی می توانند رابطه خود را با خدا حفظ کنند، اما همه نمی توانند. این در واقع می تواند برای بسیاری به یک مانع تبدیل شود و آنها را از امیدی که به مسیح دارند جدا کند.

چه در مورد استفاده از اصطلاحات فرهنگی کریستادلفین مانند «حقیقت» و «برادران»، و ترجمه های کتاب مقدس، یا آگاهی از انتخاب کلمه کتاب مقدس برای استفاده عمومی پرسش کنید، همه اینها در جامعه ما منعکس می شود. به ویژه جوانان ما با فراگیر شدن روزافزون زبان در ذهن آموزش می بینند؛ تشویق به استفاده از کلماتی که باعث پذیرش تفاوت های دیگران و ایجاد احساس امنیت از دبستان به بعد می شود. این هنجارهای زبانی جدید اجتماعی ریشه در فلسفه های عدالت اجتماعی بیشتر دارد، که مسلماً ما را به اصول کتاب مقدس نزدیک می کند. عشق به همسایه اگر جوانان ما کلماتی را در کلیسا می شنوند که در واقع با آنها در تضاد است این تغییرات مثبت اجتماعی، پس از آن ما در معرض خطر فرستادن جوانان خود به جهان متعارض هستیم. آنها ممکن است شروع به جدا کردن "زندگی کلیسا" خود از "زندگی واقعی" خود کنند، چیزی نیست که ما همیشه می خواهیم ببینیم. علاوه بر این، اگر جوانان ما برخی از اصطلاحات و روش های قدیمی ما را تقلید کنند، آنها این خطر را دارند که به عنوان همجنسگرا هراسی، بنیادگرا، فکر بسته یا بدتر از آن برچسب زده شوند. این باری نیست که ما باید بر دوش هر یک از جوانان خود بگذاریم، با توجه به اینکه کتاب مقدس این چنین پیام قضاوت و تقسیم را موعظه نمی کند. عیسی گفت: یک فرمان جدید به شما می دهم: یکدیگر را دوست بدارید. همانطور که من شما را دوست داشتم، شما نیز باید یکدیگر را محبت کنید (یوحنا

13: 34). آیا این عشق است وقتی از اصطلاحات استفاده می کنیم که باعث ناراحتی مردم می شود، تقسیم بذر، یا ایجاد احساس طرد شدن می کنند؟ اگر جوانی در زبان ما تعصبات نژادی، فرهنگی یا جنسیتی مضر را تشخیص دهند، آنها را ترک خواهند کرد.

وقتی انتخاب بهتری وجود دارد، انتخاب منصفانه ای نیست. ما نباید از پذیرش برخی ترس داشته باشیم اگر بتوانیم انگیزه اصلی آنها را شناسایی کنیم، از این تغییرات زبانی اجتماعی توسعه مبتنی بر اصول اساسی کتاب مقدس عشق و مراقبت از دیگران است. به این ترتیب ما می توانیم اطمینان حاصل کنیم که پیام عشق و نجات مسیح به عنوان ریشه چنین تغییرات اجتماعی و حتی پیشروی در مسیر پیشرفت جهان مثبتی گنجانده شده است. به عبارت دیگر، متفکرانه اتخاذ زبانی فراگیر در واقع ما را به پیام کتاب مقدس نزدیکتر می کند.

ما می توانیم این کار را انجام دهیم. انتخاب های زبانی که توسط تشویق کنندگان صبح یکشنبه، رؤسای جمهور، خوانندگان، کسانی که دعا می خوانند، معلمان مدرسه یکشنبه و مربیان باشگاه جوانان مسیحی می توانند درگام خود با استفاده از جامعه پذیرفته شده در حال تکامل باشند هنگامی که بر اساس اصول کتاب مقدس عشق و شمول است. این وظیفه ماست که یکدیگر را بشنویم، به ایده ها گوش دهیم، خودمان را آموزش دهیم و از راهنمایی، آموزش و رساندن پیام ما به بهترین وجه، اندیشمندانه ترین، دعاکننده ترین و راه های حساسی که می توانیم انتخاب کنیم. بیایید به جوانان و اعضای خود کمک کنیم تا جعبه ابزار زبان خود را تقویت کنند پر از کلماتی که باعث تشویق، گردهم آوردن و پرورش عشق و پذیرش می شود، به طوری که همه ما می توانیم به جای دستپاچگی، از جوامع اعتقادی و خودمان احساس تقویت کنیم و به توانایی بیان ایمان خود به دیگران افتخار کنیم.